

حکم شریعت

¹Know ye not, brethren, (for I speak to them that know the law,) how that the law hath dominion over a man as long as he liveth?²For the woman which hath an husband is bound by the law to her husband so long as he liveth; but if the husband be dead, she is loosed from the law of her husband.³So then if, while her husband liveth, she be married to another man, she shall be called an adulteress: but if her husband be dead, she is free from that law; so that she is no adulteress, though she be married to another man.⁴Wherefore, my brethren, ye also are become dead to the law by the body of Christ; that ye should be married to another, even to him who is raised from the dead, that we should bring forth fruit unto God.⁵For when we were in the flesh, the motions of sins, which were by the law, did work in our members to bring forth fruit unto death.⁶But now we are delivered from the law, that being dead wherein we were held; that we should serve in newness of spirit, and not in the oldness of the letter.⁷What shall we say then? Is the law sin? God forbid. Nay, I had not known sin, but by the law: for I had not known lust, except the law had said, Thou shalt not covet.⁸But sin, taking occasion by the commandment, wrought in me all manner of concupiscence. For without the law sin was dead.⁹For I was alive without the law once: but when the commandment came, sin revived, and I died.¹⁰And the commandment, which was ordained to life, I found to be unto death.¹¹For sin, taking occasion by the commandment, deceived me, and by it slew me.¹²Wherefore the law

¹ای برادران، آیا نمی‌دانید زیرا که با عارفین شریعت سخن می‌گویم، که مادامی که انسان زنده است، شریعت بر وی حکمرانی دارد؟²زیرا زن منکوحه برحسب شریعت به شوهر زنده بسته است، اما هرگاه شوهرش بمیرد، از شریعت شوهرش آزاد شود.³پس مادامی که شوهرش حیات دارد، اگر به مرد دیگر پیوندد، زانیه خوانده می‌شود. لکن هرگاه شوهرش بمیرد، از آن شریعت آزاد است که اگر به شوهری دیگر داده شود، زانیه نباشد.⁴بنابراین، ای برادران من، شما نیز بوساطت جسد مسیح برای شریعت مرده شدید تا خود را به دیگری پیوندید، یعنی با او که از مردگان برخاست، تا بجهت خدا ثمر آوریم.⁵زیرا وقتی که در جسم بودیم، هوسهای گناهانی که از شریعت بود، در اعضای ما عمل می‌کرد تا بجهت موت ثمر آوریم.⁶اما الحال چون برای آن چیزی که در آن بسته بودیم مُردیم، از شریعت آزاد شدیم، به‌حدّی که در تازگی روح بندگی می‌کنیم نه در کهنگی حرف.

شریعت و گناه

⁷پس چه گوئیم؟ آیا شریعت گناه است؟ حاشا! بلکه گناه را جز به شریعت ندانستیم. زیرا که شهوت را نمی‌دانستیم، اگر شریعت نمی‌گفت که: طمع موزر.⁸لکن گناه از حکم فرصت بسته، هر قسم طمع را در من پدید آورد، زیرا بدون شریعت گناه مرده است.⁹و من از قبل بدون شریعت زنده می‌بودم؛ لکن چون حکم آمد، گناه زنده گشت و من مردم.¹⁰و آن حکمی که برای حیات بود، همان مرا باعث موت گردید.¹¹زیرا گناه از حکم فرصت یافته، مرا فریب داد و به آن مرا کُشت.¹²خلاصه شریعت مقدّس است و حکم مقدّس و عادل و نیکو.¹³پس آیا نیکویی برای من موت گردید؟ حاشا! بلکه گناه، تا گناه بودنش ظاهر شود، به‌وسیله نیکویی برای من باعث مرگ شد تا آنکه گناه به‌سبب حکم بغایت خبیث شود.

¹⁴زیرا می‌دانیم که شریعت روحانی است، لکن من جسمانی و زیر گناه فروخته شده هستم،¹⁵که آنچه می‌کنم نمی‌دانم زیرا آنچه می‌خواهم نمی‌کنم بلکه کاری را که از آن نفرت دارم بجا می‌آورم.¹⁶پس هرگاه کاری را که نمی‌خواهم بجا می‌آورم، شریعت را تصدیق می‌کنم که نیکوست.¹⁷و الحال من دیگر فاعل

is holy, and the commandment holy, and just, and good.¹³ Was then that which is good made death unto me? God forbid. But sin, that it might appear sin, working death in me by that which is good; that sin by the commandment might become exceeding sinful.¹⁴ For we know that the law is spiritual: but I am carnal, sold under sin.¹⁵ For that which I do I allow not: for what I would, that do I not; but what I hate, that do I.¹⁶ If then I do that which I would not, I consent unto the law that it is good.¹⁷ Now then it is no more I that do it, but sin that dwelleth in me.¹⁸ For I know that in me (that is, in my flesh,) dwelleth no good thing: for to will is present with me; but how to perform that which is good I find not.¹⁹ For the good that I would I do not: but the evil which I would not, that I do.²⁰ Now if I do that I would not, it is no more I that do it, but sin that dwelleth in me.²¹ I find then a law, that, when I would do good, evil is present with me.²² For I delight in the law of God after the inward man:²³ But I see another law in my members, warring against the law of my mind, and bringing me into captivity to the law of sin which is in my members.²⁴ O wretched man that I am! who shall deliver me from the body of this death?²⁵ I thank God through Jesus Christ our Lord. So then with the mind I myself serve the law of God; but with the flesh the law of sin.

آن نیستم بلکه آن گناهی که در من ساکن است.¹⁸ زیرا می‌دانم که در من، یعنی در جسم هیچ نیکویی ساکن نیست، زیرا که اراده در من حاضر است اما صورت نیکو کردن نی. ¹⁹ زیرا آن نیکویی را که می‌خواهم نمی‌کنم، بلکه بدی را که نمی‌خواهم می‌کنم.²⁰ پس چون آنچه را نمی‌خواهم می‌کنم، من دیگر فاعل آن نیستم بلکه گناه که در من ساکن است.²¹ لهذا این شریعت را می‌یابم که وقتی که می‌خواهم نیکویی کنم بدی نزد من حاضر است.²² زیرا برحسب انسانیّت باطنی به شریعت خدا خشنودم.²³ لکن شریعتی دیگر در اعضای خود می‌بینم که با شریعت ذهن من منازعه می‌کند و مرا اسیر می‌سازد به آن شریعت گناه که در اعضای من است.²⁴ وای بر من که مرد شقیای هستم! کیست که مرا از جسم این موت رهایی بخشد؟²⁵ خدا را شکر می‌کنم بواسطت خداوند ما عیسی مسیح. خلاصه اینکه من به ذهن خود شریعت خدا را بندگی می‌کنم و اما به جسم خود شریعت گناه را.